

تحفة العراقین خاقانی

یوسف عالی عباس آباد

دانشجوی دکتری ادبیات دانشگاه تربیت معلم

کتاب راه یافته است که به نوبت خود آن نسخه را مغشوش و خواندن آن را حتا برای اهل فن دشوار کرده است. در ذیل نمونه‌هایی از غلط‌هایی فاحشی که در نسخه‌ی تحفة العراقین (تصحیح یحیی قریب) وجود دارد، نقل می‌شود:

۱- ابیات الحاقی که در هیچ‌یک از نسخه‌های قدیمی (در این مقاله مقصود از نسخه‌های قدیمی سه نسخه‌ی است که مشخصات آن‌ها را قبلاً ذکر کردیم)، وجود ندارد.

به‌عنوان نمونه بیت هفتم از آغاز مثنوی که در تمامی نسخه‌های قریب بدون اختلاف به‌صورت زیر ضبط شده است، در هیچ یک از نسخه‌های قدیمی دیده نمی‌شود:

وقت است که این دوازده برج در هم شکنند گوهر درج^۳
این بیت به احتمال قریب به یقین الحاقی است و به وسیله‌ی کاتبان و به قیاس ابیات قبلی ساخته شده است. تعداد این نوع ابیات الحاقی در مثنوی مذکور فراوان است و گاه چندین بیت متوالی را شامل می‌شود که ذکر همه‌ی آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

۲- غلط‌هایی که بر اثر بی‌اطلاعی مصحح از برخی اصطلاحات نجومی، طبی و... به نسخه‌ی مذکور راه پیدا کرده است.

مثال برای اصطلاح نجومی

فرزین به سه خانه زین سوی توست

ماه اجری خور ز پهلوی توست^۴
در بیت فوق که خطاب به خورشید است «فرزین» به‌وسیله‌ی کاتبان به‌جای «پروین» ضبط شده است و دلیل آن شاید ایجاد تناسب با بیت قبلی باشد که در آن از اصطلاحات شطرنج سخن رفته است. در حالی که این بیت ارتباطی با بیت قبلی ندارد. مصحح در تعلیقات کتاب درباره‌ی این بیت (به تبع از شارحان تحفة العراقین) فرزین را کنایه از عطارد دانسته است که در واقع دو خانه با خورشید فاصله دارد و چون همه‌ی نسخه‌ها به‌صورت «سه‌خانه» بوده است، به‌ناچار خود «شمس» را نیز یک خانه در نظر گرفته است. اما با رجوع به نسخه‌های قدیمی می‌بینیم که «پروین» به‌جای «فرزین» ضبط شده است و درست است؛ زیرا پروین در صورت فلکی «ثور» واقع شده است و «ثور» با خانه‌ی خورشید که «اسد» است، سه خانه

□ مثنوی تحفة العراقین خاقانی به تصحیح و حواشی و تعلیقات آقای دکتر یحیی قریب در سال ۱۳۳۳ به‌وسیله‌ی شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر منتشر و در سال ۱۳۵۷ تجدید چاپ شده است. دکتر یحیی قریب در تصحیح این مثنوی در مجموع، از ۹ نسخه‌ی خطی استفاده کرده است که تاریخ کتابت نسخه‌ی اساس وی به سال ۱۲۵۹ بوده است و قدیمی‌ترین نسخه‌ی تاریخ‌داری که مصحح مذکور از آن سوده برده است، نسخه‌ی است به شماره‌ی ۵۰۴۸ متعلق به کتابخانه‌ی ملک به قطع وزیری کوچک به خط نستعلیق خوانا که در تاریخ ۱۰۵۹ کتابت شده است.

مصحح ارجمند تمام تلاش خود را به‌کار برده است تا نسخه‌ی منقح در اختیار خوانندگان قرار دهد، اما با وجود همه‌ی تلاش‌های وی (بنا به دلایلی که در ذیل می‌آید)، کاستی‌ها و اشکالات زیادی به نسخه‌ی مذکور راه یافته است که تصحیح مجدد آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

دلیل اول: عدم دسترسی دکتر قریب به نسخه‌های قدیمی، موثق و معتبر است که با استفاده از آن‌ها می‌توان بسیاری از غلط‌هایی را که به‌وسیله‌ی کاتبان به نسخه‌های متأخر راه یافته است، تصحیح کرد. مهم‌ترین این نسخه‌ها عبارتند از:

۱- نسخه‌ی شماره‌ی ۳۱۱۸ متعلق به کتابخانه‌ی ملی اتریش که تاریخ کتابت آن ۵۹۳ است.^۱

۲- نسخه‌ی شماره‌ی ۱۷۶۲/۲ متعلق به کتابخانه‌ی ایاصوفیا، استانبول که تاریخ کتابت آن ۷۹۱ است.

۳- نسخه‌ی شماره‌ی ۴۰۷ متعلق به کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی که تاریخ کتابت آن ۸۴۷ است و...

دلیل دوم: این است که دکتر قریب در تصحیح این مثنوی فقط به نقل نسخه بدل‌ها اکتفا نموده و از اجتهاد و تحقیق احتراز کرده است، چنان‌که مرحوم استاد عباس زریاب خوبی در مقاله‌ی که پس از چاپ این مثنوی در مجله‌ی سخن چاپ کردند به این نکته اشاره نموده و نمونه‌هایی از آن را ذکر کرده‌اند.^۲

دلیل سوم: این که به دلیل کم‌دقتی و کم‌توجهی در چاپ و نشر کتاب و مقابله‌ی نسخه‌ها، سهوها و خطاهای زیادی به متن

فاصله دارد، پس معنی بیت کاملاً روشن و مغلوب بودن نسخ متأخر محرز است.

مثال برای اصطلاح طبی

آخر چو نمود دستیاری

برخاست طریق رستگاری

پیش آمد و پس به میل باریک

بگشاد ز چشمم آب تاریک

در تمامی نسخه‌های قدیمی این دو بیت به صورت زیر ضبط شده است:

آخر چو نمود دستیاری

برساخت طریق دستگاری

پیش آمد و پس به میل باریک

بگشاد ز چشمم آب تاریک

که کاملاً درست است چرا که یکی از معانی دستکاری به معنی «جراحی» به خصوص «جراحی چشم» است. در **مرصادالعباد** آمده است: «... به تأیید ربانی به اندکی روزگار به دستکاری طریقت سبک خودبینی از چشم حقیقت بین ایشان برداشته شدی». ۶ نیز فلکی شروانی که یکی از شعرای معاصر خاقانی است، گوید: گل چون طبیب دستکار آراسته بر جویبار

آید که نرگس را ز تار از دیده بردارد سبک ۷

۳- نمونه‌هایی از غلط‌هایی که بر اثر بی‌توجهی مصحح به ارتباط طولی ابیات یا بر اثر بی‌اطلاعی از تلمیحات که در اکثر ابیات به آیات و احادیث و وقایع تاریخی و... وجود دارد، به نسخه‌ی مزبور راه یافته است، نمونه‌ی اول:

مرزش نه گیاستان گلستان نرگس زار و قرنفلستان ۸
در تمامی نسخ قدیمی در بیت فوق به جای «نرگس زار» «شکرزار» ضبط شده است که با توجه به بیت بعدی که می‌گوید:

خوزستان را دو رخ نهاده هندوستان را سه ضربه داده ۹
کاملاً درست است چرا که خوزستان معدن شکر است، چنان که نظامی در بیت زیر به ارتباط شکر و خوزستان اشاره می‌کند:
به شکر بر ز شیرینیش بیداد

وز او شکر به خوزستان به فریاد ۱۰

و هندوستان معدن قرنفل است. در **لغت نامه** آمده: [قرنفل]

گلی‌ست معروف و معدن آن هندوستان است. ۱۱

کاتبان ناآگاه برای ایجاد تناسب با قرنفل (نوعی گل) شکرزار را به صورت «نرگس زار» تغییر داده‌اند و مصحح بدون این‌که به ارتباط این بیت با بیت بعدی توجهی کند، همان صورت غلط «نرگس زار» را در متن قرار داده است.

نمونه‌ی دیگر:

در دوزخ تن، زبان زبانی‌ست مفتاح بهشت بی‌زبانی‌ست. ۱۲
در نسخه‌های قدیمی به جای «بهشت» «نجات» ضبط شده است و درست است، زیرا اشاره دارد به حدیث: «من صَمَت نجا» ۱۳
در این مورد نیز کاتبان برای ایجاد تناسب بین دوزخ و زبانی، «بهشت» را به جای نجات قرار داده‌اند و مصحح بدون توجه به حدیث فوق، ضبط نادرست نسخه‌های متأخر را وارد متن کرده است.

نمونه‌ی دیگر:

قمری ز تو پارسی زبان گشت

طوطی ز تو کارنامه خوان گشت ۱۴

در نسخه‌های قدیمی به جای «طوطی ز تو» «کاراسی» ضبط شده است که باز کاتبان شاید به دلیل نآشنایی با واژه‌ی «کاراسی» آن را به صورت «طوطی ز تو» تغییر داده‌اند، مصحح را نیز دچار اشتباه کرده‌اند، این واژه، نه تنها باعث اشتباه کاتبان و مصححان شده، برخی از فرهنگ‌نویسان را هم به اشتباه انداخته است، صاحب **فرهنگ جهانگیری** ذیل این کلمه با استناد به همین بیت از **تحفة العراقین**، می‌نویسد: «کاراسی نام جانوری است که آوازش به غایت حزین باشد». ۱۵

صاحب **برهان قاطع** می‌نویسد: «نام جانورکی است که آواز حزین دارد و بعضی گویند مرغی‌ست خوش آواز» ۱۶

مرحوم دهخدا با انتقاد از ارباب لغت این واژه را به درستی معنی می‌کند: «کاراسی نام مردی **شاهنامه** خوان و کارنامه‌خوان بوده، و چون در بعضی اشعار نام وی قرین مرغان خوش الحان آمده، ظاهراً ارباب لغت بدون اطلاع از هویت خواننده‌ی مذکور این معنی را بدان داده‌اند». ۱۷

استاد عباس اقبال آشتیانی در مقاله‌ی با عنوان «کاراسی **شاهنامه** خوان» با تکیه به شواهد منظوم و منثوری که درباره‌ی این شخص جمع‌آوری کرده است، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند: «کاراسی ندیم عضدالدوله و فخرالدوله که بعدها ایالت قزوین را در ضمان گرفته و آن‌جا کشته شده است، همان کاراسی ندیم و **شاهنامه** خوان سلطان محمود غزنوی‌ست که پس از وفات فخرالدوله (۳۸۷) یا پس از دست‌یافتن سلطان محمود بر پسر او مجدالدوله (۴۲۰) از خدمت دیالمه به دستگاه سلطان غزنوی آمده و در حدود ۴۲۱ به حکومت قزوین منصوب شده و پس از یک سال و چند ماه یعنی در ۴۲۲ یا ۴۲۳ به علت ظلم در آن‌جا به قتل رسیده است». ۱۸

با توجه به آن‌چه گذشت، جای شک نیست که اشاره‌ی خاقانی در بیت مذکور به کاراسی کارنامه‌خوان (**شاهنامه** خوان) همان شخصی‌ست که مرحوم دهخدا به اختصار و مرحوم اقبال آشتیانی به تفصیل درباره‌ی او سخن گفته‌اند. بنابر این ضبط «طوطی ز تو...» که در نسخه‌های متأخر آمده، کاملاً نادرست است.

۴- گاهی زیادبودن واو عطف در نسخه‌های متأخر که مورد استفاده‌ی مرحوم یحیی قریب بوده است، مصحح را در ضبط صورت صحیح ابیات دچار اشتباه کرده و بر اساس همان غلط‌ها ابیات مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است.

به عنوان نمونه:

بر معتکفانش از پی یاد طرطوس کنی فتوح و بغداد ۱۹
این بیت در نسخه‌های قدیمی بدون «واو» و به صورت «طرطوس» ضبط شده است و کاملاً درست است.

دکتر قریب معنی بیت فوق را این‌گونه نوشته‌اند:

«طرطوس یا طرسوس شهری‌ست مشهور از بلاد ارمنیه‌ی صغری و از اعظم ثغور اسلام، معنی بیت این است که طرطوس را که از ثغور اسلام و بغداد را که کرسی و قاعده‌ی دیار اسلام است هدیه و تحفه‌ی معتکفان کوفه کن». ۲۰

در حالی که در بیت فوق طرسوس کردن از اصطلاحات خاص صوفیه است و معنی آن «تقسیم و بخش کردن» است.^{۲۱}
در اسرار التوحید آمده: «صوفیان را فتوحی بوده است طرسوس کرده‌اند؛ ماحصه‌ی شما این‌جا نهادیم، هر یک را هفت، هفت، هفت»^{۲۲}

بنابراین معنی، مفهوم بیت این است که: «فتوح بغداد را بین معتکفان کوفه تقسیم کنی».

نمونه‌ی دیگر:

افتاده هزار عکس دلجوی

بر شانه و دست از آینه‌ی روی^{۲۳}

بیت فوق در نسخه‌های قدیمی بدون «واو» ضبط شده است و درست است؛ زیرا خاقانی در دیوان این ترکیب را همه‌جا بدون واو به کار برده و معنی «کف دست» را از آن اراده کرده است.

تا ز دستم رفت و هم‌زانوی نااهلان نشست

شد کی بود از شانه‌ی دست آینه‌ی زانوی من^{۲۴}

ور مرا آینه در شانه‌ی دست آید، من

نفس عنقای سخن‌را به خراسان یابم^{۲۵}

نمونه‌های دیگر:

پروانه‌ی آتش سحرگاه

دیوانه و خانه‌زاد درگاه^{۲۶}

شاه اسپرم و مشام عیسی

بر آخور لاشه خر چه معنی^{۲۷}

هر دو بیت فوق در نسخه‌های قدیمی بدون واو ضبط شده که با توجه به معنی و سیاق کلام کاملا درست است.

نمونه‌های متعدد دیگری از این نوع در مثنوی **تحفة العراقین** تصحیح دکتر یحیی قریب وجود دارد که برای پرهیز از اطاله‌ی کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. نگارنده که هم‌اکنون همت به تصحیح انتقادی این مثنوی ارجمند گمارده است، امید دارد با کمک استادان خود در آینده‌ی نزدیک به این مهم دست یابد و نسخه‌ی منقح از این اثر بزرگ در اختیار علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار دهد. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- عنوان این نسخه ختم‌الغرایب (نام اصلی **تحفة العراقین**) است. این نسخه برای خزانه‌ی عزالدین ابوالفتح ملک‌شاه بن ناصرالدین محمد، از سلاجقه‌ی روم (ج ۵۸۰ - ۵۹۰) کتابت شده است.
- ۲- ر. ک. مجله‌ی **سخن**، ج ۶، ص ۳۶۸ - ۳۷۰.
- ۳- **تحفة العراقین**، ۱۳.
- ۴- **تحفة العراقین**، ۲۶.
- ۵- همان، ۵۳.
- ۶- **مرصادالعباد**، ۳۲.
- ۷- **دیوان فلکی شروانی**، ۴۱.
- ۸- **تحفة العراقین**، ۳۰.
- ۹- همان، ۳۱.
- ۱۰- نظامی، **خسرو و شیرین**، ۲۷۸.
- ۱۱- **لغت‌نامه**، ذیل قرنفل.
- ۱۲- **تحفة العراقین**، ۴۷.
- ۱۳- **جامع صغیر**، ج ۲، ص ۱۷۴، **مسند احمد**، ج ۲، ص ۱۵۹ و ۱۷۷، به نقل از **احادیث مثنوی**، ص ۲۱۹.
- ۱۴- **تحفة العراقین**، ۲۸.
- ۱۵- **فرهنگ جهانگیری**، ج ۱، ص ۴۲۷.

۱۶- **برهان قاطع** ذیل کاراسی.

۱۷- **لغت‌نامه** ذیل کاراسی.

۱۸- **مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی**، بخش سوم، ص ۲۵۶.

۱۹- **تحفة العراقین**، ۱۱۳.

۲۰- همان، ۳۴۵.

۲۱- ر. ک. تعلیقات استاد دکتر شفیعی کدکنی بر **اسرار التوحید**، ص ۵۳۰.

۲۲- **اسرار التوحید**، ۱۱۸.

منابع

- ۱- **احادیث مثنوی**، بدیع‌الزمان فروزانفر، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۰.
- ۲- **اسرار التوحید**، محمد بن منور میهنی، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- ۳- **خسرو و شیرین**، نظامی گنجوی، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، قطره، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- ۴- **دیوان خاقانی**، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، زوار، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- ۵- **دیوان فلکی شروانی**، به اهتمام طاهری شهاب، ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۵.
- ۶- **فرهنگ برهان قاطع**، محمدحسین بن خلف تبریزی، تصحیح محمد معین، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۷- **فرهنگ جهانگیری**، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، ویراسته‌ی رحیم عقیفی، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۹.
- ۸- **لغت‌نامه**، علی‌اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، ۱۳۲۴ - ۱۳۵۹.
- ۹- **مثنوی تحفة العراقین**، خاقانی شروانی، تصحیح یحیی قریب، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۳۳.
- ۱۰- **مرصادالعباد**، نجم رازی، به اهتمام محمدمامین ریاحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
- ۱۱- **مجله‌ی سخن**، سال ششم، صص ۳۶۸ - ۳۷۰.
- ۱۲- **مجموعه‌ی مقالات عباس اقبال آشتیانی**، گردآوری و تدوین محمد دبیر سیاقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.

در مباحثات و نکوهش حساد

✧ خاقانی

نیست اقلیم سخن را بهتر از من پادشا
 در جهان، ملک سخن‌راندن، مسلم شد مرا
 مریم بکر معالی را منم روح‌القدس
 عالم ذکر معانی را منم فرمان‌روا
 شه طغان عقل را، نایب منم، نعم‌الوکیل
 نوعروس فضل را، صاحب‌منم، نعم‌الفتی
 در حکمت پوشم و بی‌ترس گویم که «القتال»
 خوان فکرت سازم و بی‌یخل گویم که «الصلاح»
 دشمن‌اند این ذهن و فطنت را حریفان حسد
 منکرند این سحر و معجز را رفیقان ریا
 حُسنِ یوسف را حسد بردند مثنی ناسپاس
 قول احمد را خطا گفتند جوقی ناسزا
 من عزیز مصر حرمت را و این نامحرمان
 غرزنان برزن‌اند و غرچگان روستا
 جرعه‌خوار ساغر فکر من‌اند از تشنگی
 ریزه‌چین سفره‌ی راز من‌اند از ناشتا
 مغزشان در سر بیاشوبم که بیل‌اند از صفت
 پوست‌شان از سر برون‌آرم که پیس‌اند از لقا
 لشکر عاندند و کلک من، چو صرصر در صریر
 نسل یاجوج‌اند و نطق من چو صور اندر صدا